

موقعیت زن ایرانی^۱

در میان کشورهای اسلامی، ایران را می توان از لحاظ استثمار و انقیاد زنان در مقام نخست به شمار آورد. موافق فرامین پیغمبر [اسلام]، هر فرد مؤمن می تواند تا "چهار زن مشروع" [عقدی] و بنا بر میلش تعدادی زن نامشروع [صیغه] اختیار کند. شاه زادگان و زمین داران توانگر و غیره چون پیروان وفادار اسلام از این قوانین حداکثر استفاده را برده اند و نادر نبوده اند مواردی که تعداد زنان شاه زاده یا سلطانی به ۱۰۰، ۲۰۰، یا حتی سی صد بالغ گشته است. اما هنگامی که به دنبال انکشاف مناسبات سرمایه داری و محصولات کشاورزی در بازار ارزش معینی یافتند و تجملات- به سبک اروپائی- امکانات مالی کلانی را می طلبید، بی حاصلی [نگه داری] گله ای از زنان خود را بر زمین دار ایرانی آشکار ساخت.

نتایج بحران اقتصادی گسترش یابنده پس از جنگ [جهانی اول]، به ویژه برای طبقات متوسط، مانع از آن شد که از حق تعدد زوجات استفاده گردد. برای اهالی زحمت کش ایران حتی یک زن جزو تجملات به حساب می آید. این امر به آن جا انجامیده است که در ایران فحشاء کمتر از کشورهای اروپائی شکوفان نباشد. در این رابطه، به سختی می توان تهران امروزی [۱۳۰۱] را از پایتخت های اروپائی عقب دانست. طبیعتاً، استثمار و انقیاد زنان، هم زمان با این گسترش می یابد.

در شهرهای تهران و تبریز- اگر نخواستیم از توان گران سخنی به میان آوریم. غالباً با خانواده های متوسط الحالی بر می خوریم که در مقابل پرداخت چند قران [ریال] دو یا سه خدمت کار استخدام می کنند. هیئت خدمت کاران یکی از زمین داران بزرگ در تهران به ۴۰۰ تن بالغ می شود که نیمی از آنان از زنان اند. در کشتزارهای برنج، تنباکو و غیره زنان روزانه ۱۲ ساعت کار می کنند و در مقابل آن دستمزد محنت بار و ناچیزی دریافت می دارند.

در زمینه های سیاسی- حقوقی موقعیت زن باز هم وخیم تر است. بنا بر مقررات حاکم، وی تقریباً برده ی شوهر است که می تواند در هر لحظه ای که به خواهد او را از خانه بیرون راند. لکن قوانین مقدس اسلام مانع از آن می شود که زن ایرانی شوهرش را بدون رضایت وی ترک گوید. این مخلوق بدبخت دیگر اجازه ندارد با صورت ناپوشیده به جهان نظر افکند، زیرا طبق قوانین حاکم وی ازین سن به بعد می تواند به عقد در آید. نپوشیدن نقاب [رویند] مستوجب جرایم نظمی است. تنها در پایتخت است که مقررات در این رابطه به اشد به مورد اجرا گذاشته نمی شوند.

در ایران آموزش زنان نیز از سطحی عالی برخوردار نیست. به استثنای پایتخت، به ندرت مدرسه دخترانه خوبی می توان یافت. دختران تا سن ده یا یازده سالگی به مدارس مذهبی [مکتب] می روند و در آن جا به همان سبک مرسوم هزار ساله به قرائت و آموختن قرآن می پردازند.

دختران این مدارس را زمانی ترک می گویند که هنوز کاملاً بی سوادند. تنها در تهران و دو سه شهر دیگر است که چند دبستان نسبتاً خوب برای دختران موجود است. مدارس میسیون های [مذهبی] فرانسوی و آمریکائی که در بسیاری از شهرهای بزرگ یافت می شوند، به مراتب بهتراند. در این مدارس جوانان دست کم دروس زبان های فرانسه و انگلیسی را با هم در کلاس های مختلط می آموزند. بسیاری از زنان که به این مدارس رفته اند، نمی توانند با بردگی که به ایشان تحمیل شده است، سازگاری داشته باشند. زنان تهران به منظور مجتمع ساختن خود و سایر زنان ناراضی، چندین بار از دولت خواسته اند که در راه خروج بی حجاب آنان سنگ اندازی نشود. مع الوصف دولت فنودال- مرتجع با تکیه به ممنوعیت [صادره از جانب] علمای اسلامی سرسختانه این تقاضا را رد می کنند. این امر هم اکتفا نشده است. در پاییز گذشته مجله ی نسبتاً محبوب زنان «عالم زنان» را که غالباً زنان پیشرو تهران تنظیم و منتشر می ساختند، توقیف کرد. جالب است که در توقیف این مجله اتحادیه اجتماعین اسلامی که می خواهند سوسیالیزم را بنا بر اصول قرآن محمدی تحقق بخشند، دست داشت. پس از مدتی، زنان بار دیگر هفته نامه ی تازه ای به نام «لسان زنان» منتشر ساختند. که به شکرانه ی نعم کابینه فعلاً برقرار است. نشریات مشابهی در شهرستان ها منتشر می شود. ولی همه آن ها تحت پیگرد دائمی مقامات دولتی قرار دارند. این جنبش [زنان متعلق به] محافل توانگر را در بر می گیرد. عناصر پرولتری در حال حاضر در آن شرکتی ندارند. رهائی نهائی زنان ایران از هرگونه بردگی را تنها انقلاب پرولتری جهانی میسر خواهد ساخت.

سلطان زاده

منبع: اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد ۴، چاپ دوم، انتشارات مزدک، فلورانس، ایتالیا، ۱۹۷۴، ص ۱۰۶-۱۰۵.

انتشارات مزدک

ترجمه: میم شین از آلمان

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.eu>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵

^۱ - منبع آلمانی: „Die Stellung der persischen Frau“, Inprekorr, No. ۷۸, ۲۷ Mai ۱۹۲۲, seite ۵۹۱.

^۲ - پانویس مترجم: مقصود رفیق سلطان زاده "پیک سعادت" رشت است که خانم روشنگر نوع دوست مؤسس مدرسه ی سعادت رشت منتشر می ساخت و "زنان ایران" خانم صدیقه دولت آبادی در اصفهان، و نیز "زنان ایران" منتشره خانم شهناز آزاد است که در اثر حمله به دولت در نشریه خود حتی به زندان افکنده شد.